

نقش بنیادهای حمایتی و پیوند دهنده و نخبه پرور

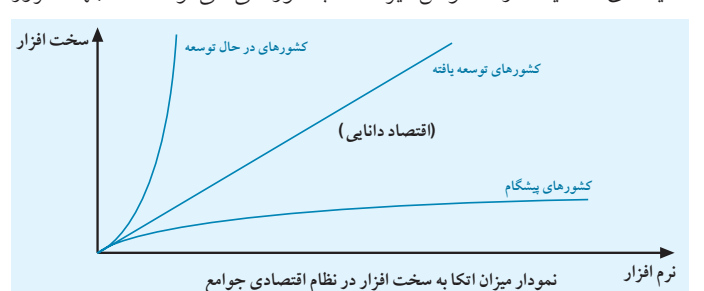
در سالهای ابتدایی دهه ی نود میلادی اصول توسعه کلان کشورها با واژه پایدار همراه شد. توسعه پایدار دربرگیرنده توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی همراه با حفظ محیط زیست است. از همین زمان همه کشورهای جهان، حتی کشورهای عقب مانده و در حال توسعه نیز برنامه های توسعه خود را بر اساس مفاهیم توسعه پایدار ایجاد کرده اند. به طور کلی مفهوم توسعه پایدار شامل سه هدف عمده می باشد:

- ایجاد جامعه خردمند
 - ایجاد جامعه سالم، هم از بعد فیزیکی و هم از جنبه ی معنوی
 - ایجاد رفاه توأم با عدالت اجتماعی
- یکی از ابزارهای نیل به توسعه پایدار، استقرار نظام اقتصادی دانش محور (اقتصاد دانایی) است. در این نوع اقتصاد، دانش مهم ترین عامل توسعه بوده و پایه های آن سیستم بر خلاقیت، انتشار و بهره برداری از دانش استوار می باشد. چنین ساختاری نیز منطبق با اهداف و راهبردهای کلان کشور نظیر برنامه چهارم توسعه و سند چشم انداز بیست ساله و همچنین مفهوم جنبش نرم افزاری می باشد.

در این راستا، همان طور که رهبر فرزانه فرمودند، جنبش نرم افزاری به معنای ارتقای فکر و اندیشه و ایجاد تحول در تمام حوزه های علوم و گفتمانهای علمی می باشد. (اینگونه استنباط می شود که چنین حرکتی نیاز به نوعی ساختار مکمل دارد تا بتواند از دستاوردهای این جنبش استفاده بهینه نماید). از طرفی اقتصاد دانش محور به عنوان یک نظام تکمیلی با تکیه بر دستاوردهای جنبش نرم افزاری می تواند راه را برای توسعه پایدار کشور هموار سازد.

برای تبیین بیشتر موضوع می توان مقایسه ای شماتیک در خصوص میزان

اتکا به نرم افزار در جوامع مختلف نمود. همان گونه که در نمودار مشخص است، کشورهای توسعه یافته در یک گذار، حرکت و برنامه ریزی مستمر، قابلیت تبدیل شدن به کشورهای پیشگام را دارند. حال آنکه این مهم برای کشورهای در حال توسعه به صورت گذاری به توسعه یافتگی و سپس به پیشگامی خواهد بود. با توجه به جایگاه ایران در میان کشورهای در حال توسعه، این گونه به نظر می رسد که کشورمان برای نیل به مرحله پیشگامی چاره ای جز گذر از مرحله توسعه یافتگی ندارد. اما با توجه به اهداف سند چشم انداز بیست ساله در خصوص تبدیل ایران به یک کشور پیشگام در سطح منطقه، این امکان وجود دارد که با یک جهش برنامه ریزی، مدیریتی و اجرایی - اقتصادی و بدون عبور از مرحله توسعه یافتگی، به سمت مرحله پیشگامی رهسپار شویم. بدون شک این امر نیازمند تغییر دیدگاه اقتصادی در کشور، از توجه به سخت افزار و ماشین آلات به نرم افزار و تولید فکری، خواهد بود. این تغییر دیدگاه نیز به نوبه خود نیازمند فعالیتی همگانی و شبکه ای است و امید است تا با جایگزینی دیدگاه شبکه ای و حذف نگاه تک متولی گری نسبت به انجام امور، به ویژه در حوزه پژوهش، این مهم قابل دسترسی باشد. این بدان معنا است که برای حصول اطمینان از تحقق اهداف سند چشم انداز بیست ساله، سیستم اجرایی کشور ملزم به ترویج دیدگاه شبکه ای در انجام امور است. در این دیدگاه همپوشانی نهادهای مختلف در انجام یک امر تداخل تلقی نشده و منجر به ایجاد هم افزایی و بهبود و ارتقای عملکرد کلی و نهایی خواهد شد.



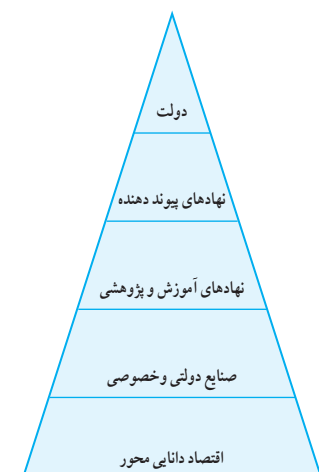
سلسله مراتبی از شبکه ها بوده که در آن اقتصاد دانش محور، نرم افزاری برای این دنیای شبکه ای می باشد که به وسیله شدت نرخ تغییر و نرخ یادگیری، اداره می شود. در این صورت توانایی دسترسی و پیوستن به روابط دانش محور و تفکر محور، موقعیت اقتصادی و اجتماعی افراد را در آینده تعیین می کند.

از طرفی می توان ادعا نمود در صورت ادامه وضعیت کنونی و فعلی جامعه، در کشور ما که دارای یک سیستم اقتصادی قدیمی، ماشین محور و متکی به فناوریها و ابزارآلات وارداتی است، حل برخی از معضلات جامعه امروزی، از جمله اشتغال، نه تنها امکان پذیر نخواهد شد بلکه مشکلات دیگری نظیر پدیده فرار مغزها را درامن خواهد زد.

در مقابل، توجه به ساختار اقتصاد دانش محور چون متکی به نیروی انسانی است و دانش و تفکر به عنوان عامل درونزای آن، خود ایجاد ثروت می کند و بخودی خود اشتغالزا بوده و این اشتغال به دلیل اتکا به دانایی از پایداری و ثبات دائمی بهره خواهد برد.

از طرف دیگر چون پایه های چنین سیستم اشتغال زایی بر دانش، نوآوری و ابداع استوار است، باعث ایجاد هم افزایی داخلی خواهد شد. لذا به نظر می رسد که استقرار یک سیستم اقتصادی جدید و دانش محور منجر به ایجاد یک راه حل پایه و مؤثر برای معضلاتی نظیر اشتغال و فرار مغزها خواهد شد و چه بسا تأثیر مثبت این سیستم باعث تبدیل پدیده فرار مغزها به بازگشت اندیشه ها گردد.

حال باید به این مسئله پرداخت که فرایند مدیریت فعالیت شبکه ای در جهت تبدیل سیستم اقتصادی قدیم به جدید و استقرار نظام اقتصادی دانش محور - با در نظر گرفتن جایگاه نظام پژوهش و نوآوری به عنوان فراهم کننده ورودی اصلی این نظام - چگونه خواهد بود. شکل هرمی زیر



نمایانگر وضعیت نهادهای مختلف در رابطه با مدیریت این فعالیت شبکه ای می باشد. شایان ذکر است که با حرکت به سمت رأس هرم بر میزان نقش سیاست گذاری نهادها افزوده خواهد شد.

همان گونه که از شکل برمی آید، دانش و نوآوری و خلاقیت به عنوان برونداد سیستم پژوهش و نوآوری کشور، دستمایه اصلی نظام اقتصاد دانایی محور است. به بیان دیگر استقرار نظام اقتصاد دانایی محور بدون وقوع ابداع و نوآوری از طریق سیستم پژوهش، امری است بی معنی. پژوهشگران به عنوان عاملان اصلی نظام پژوهش و نوآوری وظیفه انجام این امور، یعنی تولید دانش و ابداع و خلاقیت، را بر عهده دارند. لذا به صورت منطقی می توان از این روابط استنباط کرد که در استقرار نظام اقتصاد دانایی محور اهمیت دادن به مقوله پژوهش و پژوهشگر، امری زیر ساختی و مهم است.

به طور خاصی می توان اشاره نمود که در نظامهای اقتصادی قدیم که متکی به ابزارآلات و ماشینها و به طور کلی سخت افزار می باشند، پرداختن به مقوله خطیر و حساس پژوهش و حمایت از پژوهشگر موضوع زیر ساختی و مهم نبوده و لذا در برنامه ریزی توجه به آن اهمیت چندانی ندارد اما در نظامهای اقتصادی جدید و دانش محور، پژوهشگر به عنوان شخصیت اصلی مولد دانش و ابتکار دارای نوعی ویژگی "محوری" گردیده است و لذا پرداختن به امور پژوهشی از حالت لوکس و تشریفاتی خارج شده و جنبه ای حیاتی یافته و در برنامه ریزی دارای اهمیت اساسی محسوب می گردد.

از این رو به منظور سازگار سازی ارکان نظام اقتصادی قدیم و سایر نهادهای درگیر در اداره امور کشور با این تغییر و تسریع در دستیابی به دانایی محوری در کلیه ارکان کشور به ویژه، توجه نقش نظام پژوهشی و پژوهشگر، باید نهادهای پیوند دهنده ای ایجاد گردند که رابطه ی بین عوامل مختلف از جمله دولت را با بازار و سیستم اقتصادی پیوند داده و تسهیل نمایند. به بیان دیگر این نهادها به شکل گیری بازار پژوهش و تولید ثروت از این طریق کمک می نمایند.

این سخن بدان معنی است که هدف غایی نهادهای پیوند دهنده ایجاد هم افزایی در جهت بهبود عملکرد کلی با هدف گسترش پژوهش و بالطبع تولید و افزایش ثروت از طریق نظام اقتصادی دانش محور می باشد که افق تمام این فعالیتها را توسعه پایدار کشور تشکیل می دهد.

به امید توسعه ای پایدار